

اسدالله بادامچیان
دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی:

نمونه کامل یک
ثروتمند اسلامی بود



حسن زاده
سیدعلاءالدین میرمحمدصادقی نه تنها یک شخصیت اقتصادی برجسته بود، بلکه در فعالیت‌ها و مبارزات انقلابی نیز نقشی پررنگ و تعیین کننده داشت. او به واسطه تسلط به شرایط بازار و سال‌ها تجربه در عرصه اقتصاد کشور، گام‌های مؤثری در مسیر پیروزی انقلاب برداشت؛ از نقش آفرینی در کمیته تنظیم اعتصابات بازار در ایام منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی تا قرار گرفتن در جایگاه یکی از مؤسسان حزب مؤتلفه اسلامی.

اسدالله بادامچیان، دبیر کل حزب مؤتلفه اسلامی، درباره نقش کمیته تنظیم اعتصابات بازار که برای هدفمند شدن اعتصابات و تسهیل مسیر پیروزی تشکیل شد، می‌گوید: «کمیته تنظیم اعتصابات بازار، مجموعه‌ای مخفی بود که در سال‌های ۵۶ و ۵۷ حضور پررنگ شهید بهشتی و شهید مطهری تشکیل شد و من نیز از اعضای شورای مرکزی آن بودم. میرمحمدصادقی هم در این کمیته برای تنظیم و هدفمندی اعتصابات گام‌های مؤثری برداشت؛ از جمله جلسه‌ای که در هفته‌های منتهی به پیروزی انقلاب با حضور سران انقلاب در منزل ایشان برگزار شد و هدفش حل مشکلات اعتصاب و هدفمندتر شدن آن بود.»

سیدعلاءالدین میرمحمدصادقی از همان سال‌های آغازین نهضت امام خمینی (ره) فعالیت‌های مبارزاتی‌اش را آغاز کرد. سال ۱۳۴۲ بود که به همراه جمعی از بازاریان در قم با امام (ره) دیدار کرد تا همه چیز برای شکل‌گیری حزب مؤتلفه اسلامی که در سال‌های مبارزه علیه رژیم طاغوت و طیفه هماهنگی میان مرجعیت و بازار را برعهده داشت، مهیا شود. بادامچیان می‌گوید: «سال ۱۳۴۲ از بازار تهران گروه با امام (ره) دیدار کردند. سیدعلاءالدین میرمحمدصادقی از گروه موسوم به اصفهانی‌ها بود که من نیز در آن گروه حضور داشتم. گروهی دیگر شامل افراد سرشناسی چون حبیب‌الله عسگرآولادی، اسدالله لاجوردی و گروه سوم متشکل از ابوالفضل توکلی‌بنا، صادق امانی و... بود که همگی به دیدار بنیانگذار انقلاب رفتند. امام خمینی (ره) به این ۳ گروه توصیه کردند با یکدیگر مؤتلف شوید. بعد از آن دیدار، حاج مهدی عراقی پیشنهاد داد که نام گروه را هیأت‌های مؤتلفه اسلامی بگذارند و اینجا بود که هسته اولیه شورای مرکزی مؤتلفه اسلامی با حضور سیدعلاءالدین میرمحمدصادقی شکل گرفت؛ حزی که توانست در سال‌های پیروزی انقلاب نقشی پررنگ در تجمعات، اعتصابات و تحولات انقلابی ایفا کند.» بادامچیان می‌گوید: «او نمونه کامل یک ثروتمند اسلامی بود که همه اقداماتش در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و خیریه را بر مبنای وظیفه الهی و اخلاص انجام می‌داد.»

دبیر اجرایی حزب مؤتلفه اسلامی: حاج‌علاءالدین از اقتصاد مردمی دفاع کرد



می‌کرد تا به مسائل و مشکلات آن‌ها رسیدگی شود. حاج‌علاء پیش از هر چیز دیگری دغدغه دینی داشت و دغدغه دینی پای او را به رویدادهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی باز می‌کرد چنانکه درباره مسائل اقتصادی کشور نظر می‌داد و هم‌زمان در حوزه مسائل سیاسی هم صاحب‌نظر بود. به‌طور مثال، ایشان در دهه ۶۰ که دولت وقت بر اقتصاد دولتی تأکید داشت، به‌عنوان عضوی از جمعیت مؤتلفه اسلامی در برابر این جریان ایستاد و شجاعانه از اقتصاد مردمی صیانت کرد.»

حاج‌علاءالدین میرمحمدصادقی در بزنگاه‌های سیاسی نقش پررنگی ایفا کرده است. محمدعلی امانی، دبیر اجرایی حزب مؤتلفه اسلامی که رفاقت دیرینه‌ای با حاج‌علاءالدین میرمحمدصادقی داشته، می‌گوید: «حاج‌علاءالدین میرمحمدصادقی را باید یکی از اصلی‌ترین بنیانگذاران جمعیت مؤتلفه اسلامی بدانیم. او در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و به توصیه شهید بهشتی خانواده زندانیان و مبارزان سیاسی را تحت عنوان اردوی سبزه در کرج دور هم جمع

علی عبداللہیان باروق، رئیس هیأت مدیره روزنامه رسالت، یار دیرین میرمحمدصادقی:

جناحی عمل نمی‌کرد دنبال کاربلدها بود



شهره کیانوش‌راد

شروع همکاری و آشنایی «علی عبداللہیان» با سیدعلاءالدین میرمحمدصادقی، به اوایل انقلاب برمی‌گردد. همکاری با هدف بهبود اقتصاد ایران به‌ویژه در روزهای اول انقلاب اسلامی ارتباط آنها را بیشتر کرد تا اینکه در سال ۱۳۶۳ در سفر مکه، عقد اخوت بستند. توافق، پرهیز از خودنمایی و تلاش برای حفظ حرمت دیگران از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری مرحوم میرمحمدصادقی بود که عبداللہیان در این گفت‌وگو بر آن تأکید می‌کند و می‌گوید: «علاءالدین میرمحمدصادقی، هیچ‌گاه از اصول خود در زندگی و کار کوتاه نیامد و همواره به دنبال ارتقای جامعه و کمک به دیگران بود.» در گفت‌وگو با علی عبداللہیان، رئیس هیأت مدیره روزنامه رسالت و یار دیرین میرمحمدصادقی با ویژگی‌های مرحوم میرمحمدصادقی بیشتر آشنا شدیم. راه‌اندازی کمیته امور صنفی و فعالیت‌های انقلابی زمینه‌ای شد تا بتوانیم در کمیته امور صنفی با جامعه بازرگانان آن روز ارتباط داشته باشیم. بعد از انقلاب اسلامی، ما کمیته امور صنفی را راه‌اندازی کردیم و اتاق بازرگانی هم به صورت یک نهاد انقلابی با حکمی از سوی امام (ره) تشکیل شد. آقای میرمحمدصادقی نقش اصلی در احیای اتاق بازرگانی داشت. او همراه با جمعی از دوستان و یاران انقلابی که در رأس آنها شهید بهشتی بود، توانستند برای احیای اتاق بازرگانی اقدام کنند.

پیشقدم در امور خیر

مرحوم میرمحمدصادقی، در تأسیس خیریه‌های مختلف نقش داشت. به طوری که مرسوم است از شخصیت‌های مختلفی برای کمک به خیریه دعوت می‌شود. مرحوم میرمحمدصادقی سعی می‌کرد رقیمی که برای کمک به خیریه پرداخت می‌کند به گونه‌ای نباشد که اختلاف فاحش با کمک‌های دیگر مهمانان داشته باشد. اخلاق و رفتار او بسیار سنجیده بود. در موقعیت‌های مختلف با او همراه بودم. هیچ‌گاه ندیدم جایی اخم کند و رفتار تند از خود بروز دهد یا بخواهد کاری را به همکارانش تحمیل کند. ما سال‌ها توفیق داشتیم که در مقاطعی با هم همکاری باشیم، به مسافرت می‌رفتیم و رفاقت ما در این سال‌ها هر روز بیشتر می‌شد. من مسئولیت‌های مختلفی در دولت داشتم، اما در همه این سال‌ها، نه اتاق بازرگانی را راه‌کارم و نه این رفیق شفیق را.

یکی دیگر از ویژگی‌های بارز او که من هم سعی می‌کردم در خود نهادینه کنم این بود که هرگز نگاهش به افراد، خطی و جناحی نبود. همیشه دنبال این بود که آدم‌های کارآمد و کاربلد را به کار بگیرد. سعه صدرشان بسیار وسیع بود و خودشان را به قشر خاصی محدود نمی‌کرد.

سفر به یاد ماندنی

سال ۱۳۶۳ توفیق داشتم که با ایشان به سفر مکه بروم. در این سفر دوستان دیگری هم بودند. روز عید غدیر در مکه بودیم و همانجا من، آقای میرمحمدصادقی و آقای محمود لولاجیان با همدیگر پیمان اخوت بستیم. از آن تاریخ به بعد، این پیمان و رفاقت میان ما مستحکم بود. توصیه من به همه دوستانم این بود، خود و فرزندانمان بر ۳ اصل تکیه کنید: کار، کار، کار. کار اول برای عقل، مطالعه و دنبال تعلیم و تعلم بودن. کار دوم برای سلامت تن، ورزش و هر آنچه به سلامت تن شما کمک می‌کند. کار سوم، در امور کار اقتصادی که خمیرمایه هر انسانی است. از میان دوستانم تنها کسی که مقاوم و استوار پای این ۳ کار ایستاد، آقای میرمحمدصادقی بود. در کار اقتصادی و مطالعه که همیشه فعال بود، اما در مورد سوم یعنی ورزش، باید بگویم که هرگز ورزش را ترک نکرد. حتی زمانی که به سفرهای داخلی یا خارج از کشور می‌رفتیم، هرگز ورزش‌اش ترک نمی‌شد.

پست و مقام و مال دنیا در رفتار او تأثیری نداشت

آشنایی من با او از همان روزهای اول انقلاب شروع شد و ادامه یافت. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های میرمحمدصادقی این بود که پست و مقام در سبک زندگی و رفتار او هیچ تأثیری نداشت. او مورد اعتماد شهید بهشتی و امین بازاریان و بسیار انسان وارسته‌ای بود. تواضع او به حدی بود که پست و مقام هیچ تأثیری در رفتارش نمی‌گذاشت. انسانی در این موقعیت، حتماً به لحاظ مالی می‌توانست از بهترین و بالاترین امکانات استفاده کند، اما من که از دوستان نزدیک او بودم، هیچ‌وقت نفهمیدم دارایی ایشان چقدر است. هیچ‌گاه خارج از عرف لباس نمی‌پوشید، خارج از عرف خانه تهیه نمی‌کرد، حتی از خودروبی استفاده می‌کرد که خارج از عرف جامعه نباشد. اهل ریاکاری نبود، اما همیشه سعی می‌کرد از محدوده‌ای که برای خودش معین کرده بود، خارج نشود. در زندگی شخصی خود نیز اهل ریخت‌وپاش و اسراف نبود. به هیچ‌عنوان اهل خودنمایی نبود.

انقلاب در منزل او برگزار شد.

وقتی شرکت ابرفرانس برای هواپیمای حامل امام (ره) نیاز به تعهد بیمه‌ای داشت، مقدمات کار را فراهم کرد.

در روزهای اول تشکیل دولت موقت، دفتر کاری او در اختیار دولت موقت قرار گرفته بود.

به همراه ۷ نفر دیگر، حیات جدید اتساق بازرگانی در دوره پس از انقلاب اسلامی را پایه‌گذاری کردند.

۱۳۵۷ تا ۱۴۰۳

نقش محوری در تأسیس ستاد دبه، سازمان اقتصاد اسلامی، ده‌ها صندوق قرض الحسنه، مجتمع آموزشی، مراکز بهداشتی و... ایفا کرد.

۱۴۰۳

علاءالدین میرمحمدصادقی در ۹۳ سالگی درگذشت.

۱۳۴۲

همراه با دیگر بازاریان سرشناس با اندیشه‌های امام خمینی (ره) آشنا شد و بارها با امام (ره) در قم دیدار کرد. با حضور او و دیگر بازاریان، مؤتلفه اسلامی، به‌عنوان گروهی از فعال‌ترین مبارزان انقلابی بازار، تشکیل شد.

۱۳۴۳

با تحت تعقیب قرار گرفتن اعضای مؤتلفه از سوی ساواک، با اجبار از کشور خارج و مدتی در عراق و کویت زندگی کرد.

۱۳۴۴

پس از بازگشت به کشور و با همفکری آیت‌الله بهشتی وارد حوزه مدرس‌سازی و جنبش فرهنگی و مبارزاتی شد.

۱۳۵۷

کمیته تنظیم اعتصابات بازار برای تسهیل در پیروزی انقلاب با حضور سران